

پیام پنج

زندگی خدا-انسان

مطالعه متون مقدس: لوقا ۱: ۳، ۹؛ ۶: ۸-۱۳؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ ۱
یوحنا ۳: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲: ۶؛ ۴: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۲-۳؛ رومیان ۸: ۲

۱. خواست قلبی خدا این است که «راستی [واقعیت] در عیسی» (افسیسیان ۴: ۲۱)، وضعیت واقعی زندگی خدا-انسان عیسی همانطور که در چهار انجیل ثبت شده است، در بسیاری از اعضای بدن مسیح، توسط روح واقعیت تکثیر شود تا تبدیل به واقعیت بدن مسیح، بالاترین قله در اقتصاد خدا، شود (آ. ۲۰-۲۴):

آ. آن چهار انجیل نشان دهنده الگوی زندگی مورد نظر خدا، قالب یک زندگی که می تواند خدا را راضی کند و هدف او را برآورده سازد، هستند. عیسی زندگی ای داشت که در آن همه کار را در خدا، با خدا، و برای خدا انجام داد؛ خدا در زیستن او بود و او با خدا یک بود. این منظور از «راستی در عیسی» است. آموختن مسیح همانطور که واقعیت در عیسی است، قالب گیری شدن به شکل الگوی مسیح جهت هم شکل شدن با صورت مسیح است - رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ افسسیسیان ۴: ۲۰-۲۱.

ب. ما توسط خداوند به کمال می رسیم تا خدا-انسان ها بوده، حیات الهی را با انکار حیات طبیعی خود بر طبق الگوی مسیح به عنوان اولین خدا-انسان زیست کنیم - متی ۱۱: ۲۹؛ ۱۷: ۵؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱:

۱. او در زندگی خود بر روی زمین، الگویی برپا کرد، همانطور که در چهار انجیل آشکار شده است. سپس مصلوب شد و رستخیز کرد تا روح حیات بخش شود تا بتواند در ما وارد شود که حیاطمان باشد. ما طبق مثال او از او می آموزیم، نه با حیات طبیعی خود بلکه با او به عنوان حیاطمان در رستخیز - ۱ قرنیتیان ۱۵: ۴۵؛ کولسیان ۳: ۴.

۲. زندگی مسیحی ما یک زندگی در مسیح و همچنین زندگی مسیح در ما است. ما در مسیح به عنوان قالب هستیم، و او به عنوان حیاطمان در ماست. از این طریق ما مسیح را همانطور که واقعیت در عیسی است می آموزیم. این واقعیت، واقعیت بدن مسیح است - ۱ قرنیتیان ۱: ۳۰؛ ۲ قرنیتیان ۵: ۱۷؛ ۱۲: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۲۷؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۸: ۱۰.

پ. همانطور که عاشق خداوندیم، با او تماس می گیریم و به او دعا می کنیم، به طور خودکار بر طبق قالب، شکل، الگوی توصیف شده در اناجیل زندگی می کنیم. ما به این ترتیب شکل گرفته، هم شکل با تصویر این قالب می شویم - این همان معنای آموختن مسیح است - متی ۱۱: ۲۹؛ رومیان ۸: ۲۹.

زندگی خدا-انسان

ت. وقتی که در روح آمیخته زندگی می‌کنیم، مسیح را توسط روح واقعیت، بر طبق واقعیت در عیسی می‌آموزیم؛ ما از او به عنوان الگوی خود می‌آموزیم تا زندگی‌نامه او تاریخچه ما شود. زندگی بدن مسیح به عنوان انسان نو دقیقاً باید مانند زندگی عیسی که در اناجیل آشکار شده است باشد - غلاطیان ۶: ۱۷-۱۸؛ رومیان ۱: ۱، ۹؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۴؛ فیلیپیان ۲: ۵؛ متی ۱۱: ۲۹؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱.

ث. مقصود خدا از فرستادن خداوند عیسی به عنوان یک انسان این بود که او یک زندگی خدا-انسان توسط حیات الهی داشته باشد؛ وقتی او را می‌خوریم، به او زندگی می‌کنیم تا یک انسان بزرگ عالمی شویم که دقیقاً همچون اوست - انسانی که توسط حیات الهی یک زندگی خدا-انسان دارد - مرثی ۳: ۲۲-۲۴، ۵۵-۵۶؛ مکاشفه ۲: ۴، ۷؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳؛ یوحنا ۱۵: ۱۶؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۵.

۲. تنها زندگی ای که برای خدا خوشایند است، زندگی ای است که تکرار زندگی مسیح بر روی زمین می‌باشد؛ این زندگی ای است که مسیح را در تجاربش به عنوان قربانی سوختنی تجربه می‌کند - لاویان ۱: ۹؛ یوحنا ۸: ۲۹؛ ۲ قرنتیان ۵: ۹:

آ. قربانی سوختنی نماد مسیح در زیستن یک زندگی است که مطلقاً برای خدا و برای رضایت خداست؛ قربانی سوختنی همچنین نماد مسیح به عنوان زندگی ای است که مردم خدا را قادر به داشتن یک چنین زندگی می‌کند - لاویان ۱: ۳؛ اعداد ۲۸: ۲-۳؛ یوحنا ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸؛ ۸: ۲۹؛ عبرانیان ۱۰: ۱۰-۹.

ب. کلمه ای که «قربانی سوختنی» ترجمه شده است بر چیزی که در حال صعود کردن است دلالت دارد. این صعود کردن به مسیح اشاره دارد (لاویان ۱: ۳، ۱۰، ۱۴). تنها چیزی که می‌تواند از زمین به سوی خدا صعود کند زندگی ای است که توسط مسیح زیست شد، زیرا او آن شخص منحصر به فرد است که می‌تواند زندگی ای مطلقاً برای خدا داشته باشد (یوحنا ۶: ۳۸).

پ. قربانی سوختنی «عطر خوشبو [رضایت بخش] به جهت خداوند» بود (لاویان ۱: ۹). کلمات عبرانی که «عطر خوشبو» ترجمه شده است به طور تحت الفظی به معنای «بوی آرام بخش یا رضایت بخش» است. عطر رضایت بخش بوی است که رضایت، آرامش و آرامی را به ارمغان می‌آورد. چنین عطری رضایت بخش یک مسرت برای خداست.

ت. با گذاشتن دستان خود بر مسیح به عنوان قربانی سوختنی ما، از طریق دعای مناسب، ما به او پیوسته، و او و ما یکی می‌شویم. همانطور که مسیح در ما زندگی می‌کند، او زندگی ای را در ما تکرار می‌کند که بر زمین زیست، زندگی قربانی سوختنی - آ. ۴؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۲۰.

ث. در چنین اتحاد، چنین شناسایی، تمام ضعف‌ها، نقص‌ها و عیوب ما توسط او

برداشته می شود - ۲ قرن‌تیاں ۵: ۲۱؛ غلاطیاں ۲: ۲۰.

ج. ما باید اجازه دهیم که خداوند ما را بسوزاند تا یک قربانی سوختنی دائمی برای سوزاندن دیگران باشیم و تبدیل به خاکستر شویم تا به اورشلیم نو برای ابراز خدا تبدیل گردیم - مزامیر ۲۰: ۳؛ لاویان ۱: ۱۶؛ ۶: ۸-۱۳؛ ۱ قرن‌تیاں ۳: ۱۲؛ مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲: ۲۱، ۱۰-۱۱، ۱۸-۲۱.

۱. خاکستر نشانگر مسیح است که به هیچ کاهش یافت. از آنجا که ما با مسیحی که خاکستر شده است یک هستیم، ما نیز به خاکستر تبدیل شده ایم، یعنی به هیچ، به صفر کاهش یافتیم - مرقس ۹: ۱۲؛ اشعیا ۵۳: ۳؛ ۱ قرن‌تیاں ۱: ۲۸؛ ۲ قرن‌تیاں ۱۲: ۱۱.

۲. هر چه بیشتر با مسیح در مرگ او شناسایی شویم، بیشتر پی خواهیم برد که به توده ای از خاکستر تبدیل شده ایم. وقتی خاکستر می شویم، دیگر یک شخص طبیعی نیستیم؛ در عوض، شخصی هستیم که مصلوب شده، پایان یافته، سوزانده شده است - غلاطیاں ۲: ۲۰.

ج. گذاشتن خاکستر در سمت مشرق مذبح، سمت طلوع خورشید، اشاره ای به رستاخیز است - لاویان ۱: ۱۶؛ یوحنا ۱۱: ۲۵؛ فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱؛ ۲ قرن‌تیاں ۱: ۹.

۱. با مسیح به عنوان قربانی سوختنی، خاکستر پایان نیست، آن آغاز است. خاکستر به این معناست که مسیح به مرگ سپرده شده است، ولی مشرق نشانگر رستاخیز است - مرقس ۹: ۳۱.

۲. هر چه بیشتر در مسیح به خاکستر تبدیل شویم، بیشتر در شرق قرار خواهیم گرفت، و در شرق این اطمینان را خواهیم داشت که خورشید طلوع خواهد کرد و ما طلوع خورشید رستاخیز را تجربه خواهیم کرد - فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱.

ج. عاقبت، خاکستر به اورشلیم نو تبدیل خواهد شد. ۳: ۱۲؛ ۲: ۲۱، ۱۰-۱۱:

۱. مرگ مسیح ما را به پایان می رساند، ما را به خاکستر تبدیل می کند، و خاکستر در رستاخیز تبدیل به مصالح نفیس برای ساختمان خدا می شود - ۱ قرن‌تیاں ۳: ۹ب، ۱۲.

۲. وقتی که ما به خاکستر تبدیل می شویم، در دگرگونی خدای سه یکتا آورده می شویم تا تبدیل به مصالح نفیس برای بنای اورشلیم نو شویم - رومیان ۱۲: ۱-۲؛ ۲ قرن‌تیاں ۳: ۱۸؛ مکاشفه ۲۱: ۱۸-۲۱.

۳. در اجرای خدمتگزاری عهد جدید خدا، خداوند عیسی، به عنوان واقعیت قربانی سوختنی، هیچ کاری از خود انجام نداد (یوحنا ۵: ۱۹)، او کار خود را انجام نداد (۴: ۳۴؛ ۱۷: ۴)، او سخن خود را نگفت (۱۰: ۱۴، ۲۴)، او کاری را با اراده خودش

زندگی خدا-انسان

انجام نداد، (۵: ۳۰) و او جویای جلال خود نبود (۷: ۱۸). او هرگز ناامید نشد زیرا فقط با خدا راضی بود (اشعیا ۴۲: ۴؛ ۵۰: ۴-۵؛ ۵۳: ۲؛ یوحنا ۴: ۱۳-۱۴؛ ۶: ۱۵؛ مرقس ۹: ۷-۸):

آ. زندگی خداوند همان کار، حرکت و خدمتگزاری او بود. کار او زندگی او بود، و حرکت او وجودش بود. با او هیچ تفاوتی بین زندگی او، کار او، و خدمتگزاری او وجود نداشت؛ خداوند عیسی خدمتگزاری خود را زندگی کرد - ر.ک. لوقا ۲۲: ۲۶-۲۷؛ یوحنا ۱۰: ۱۰؛ ۱۱: ۱؛ ۱۲: ۱۵؛ ۱۳: ۱؛ ۱۴: ۱۰؛ ۱۵: ۱؛ ۱۶: ۱؛ ۱۷: ۱؛ ۱۸: ۱؛ ۱۹: ۱؛ ۲۰: ۱؛ ۲۱: ۱؛ ۲۲: ۱؛ ۲۳: ۱؛ ۲۴: ۱؛ ۲۵: ۱.

ب. خداوند عیسی یک انسان دعاگو بوده، با خدا یک بود و پی وقفه در حضور خدا زندگی کرده، تحت هر نوع رنج و جفا، به خدا و نه به خود اعتماد داشت. او کسی بود که شیطان، رئیس جهان، در او چیزی نداشت (نه زمینه ای، نه امیدی، نه شانس، نه امکانی در هیچ چیز) - یوحنا ۱۰: ۳۰؛ ۸: ۲۹؛ ۱۴: ۳۰؛ ۱۶: ۳۲-۳۳؛ ۱ پطرس ۲: ۲۳:

۱. او انسانی در جسم بود که به خدای اسرار آمیز در قلمرو الهی و اسرار آمیز دعا می کرد؛ او اغلب به کوه یا به مکانی خصوصی برای دعا می رفت - متی ۱۴: ۲۳؛ مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۵: ۱۶؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۸.

۲. او هرگز تنها نبود، زیرا پدر با او بود. او هر لحظه صورت پدرش را می دید - یوحنا ۵: ۱۹؛ ۱۶: ۳۲؛ مزامیر ۱۶: ۷-۸.

پ. وقتی که مسیح به عنوان خدا-منجی می خواست یک زن غیر اخلاقی سامری را نجات دهد، باید از یهودیه به جلیل از طریق سامره سفر می کرد؛ او از راه اصلی سامره به شهر سوخار تغییر جهت داد، و نزد چاه یعقوب در نزدیکی سوخار منتظر ماند که فرد مورد نظر او بیاید تا با درخواست آشامیدنی از او، او را گرمی بدارد، تا او [خداوند] بتواند با آب حیات که خود خدای سه یکتای جاری است او را تغذیه کند - یوحنا ۴: ۳-۱۴.

ت. وقتی که هیچ یک از فریسیان مدعی نتوانست زن زناکار را محکوم کند، مسیح به عنوان خدا-منجی، در انسانیت خود جهت گرمی داشتن او به او گفت: «من هم بر تو فتوا نمی دهم»، تا او [خداوند]، به عنوان هستم بزرگ، بتواند او را با رهایی از گناه تغذیه کند و او را قادر به «دیگر گناه نکن» سازد - ۸: ۱۱-۱۳، ۲۴، ۳۴-۳۶.

۴. وقتی که ما در عشقی که خود خداست بمانیم، عشق «با ما کامل شده است تا در روز جزا ما را دلاوری باشد، زیرا چنانکه او هست، ما نیز در این جهان همچونین هستیم» (۱ یوحنا ۴: ۱۷) - مسیح به عنوان واقعیت قربانی سوختنی، در این جهان زندگی خدا به عنوان عشق رازبست کرد، و او اکنون حیات ماست تا بتوانیم همان زندگی عشق را در این جهان داشته باشیم و همچون او باشیم (۳: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲: ۶):

رئوس مطالب دوره آموزشی

- آ. قانون روح حیات در روحمان، قانون مسیح به عنوان قانون عشق است (رومیان ۸: ۲؛ غلاطیان ۶: ۲-۳)؛ قانون عشق باید با قانون روح حیات اثبات شود تا ما بتوانیم بارهای یکدیگر را متحمل شویم؛ ولی اگر سرشار از غرور باشیم، قادر نخواهیم بود بارهای دیگران را متحمل شویم زیرا خودمان را با این تصور که چیزی هستیم وقتی که هیچ چیز نیستیم، فریب می دهیم (آ. ۳).
- ب. وقتی قانون عشق در درون ما فعال می شود، به طور خودکار و خود بخود شبانانی خواهیم بود که دارای قلب مهربان و بخشنده خدا پدر ما و روح جویای منجی ما مسیح هستند - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ لوقا ۱۵: ۳-۷.
- پ. وقتی قانون عشق در درون ما فعال می شود، زحمت ما در خداوند، محنت محبت است (۱ قرن ۱۵: ۵۸؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۳) که در آن ما «ضعفا را دستگیری» نموده (اعمال ۲۰: ۳۵) و «ضعفا را حمایت» می کنیم (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۴). «ضعفا» به کسانی اشاره دارد که یا در روح یا روان یا بدن ضعیف بوده، یا در ایمان ضعیف هستند (رومیان ۱۴: ۱؛ ۱۵: ۱).
- ت. خداوند پس از رستاخیزش، پطرس را شبانی کرد و به او مأموریت داد تا بزه های او را خوراک دهد و گوسفندانش را شبانی کند؛ این برای ادغام خدمتگزاری رسولی با خدمتگزاری آسمانی مسیح جهت مراقبت از گله خدا، کلیساست، که منجر به بناسازی بدن مسیح می شود تا در اورشلیم نو برای انجام اقتصاد جاودان خدا تکامل یابد - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷.